

واژه ترجمه

ترجمه واژه‌ای تازی است که در این زبان، با زیرِ جیم خوانده می‌شود؛ زیرا ریختی است در تازی که آنرا «رباعی مجرّد» می‌خوانند. این‌گونه واژگان از آن روی «چارگانی» یا رُباعی نام گرفته‌اند که در خاستگاه و آغاز، دارای چهار حرف‌اند؛ نیز از آن روی «مجرّد» اند که هیچ افزونه‌ای بر آنها افزوده نشده است. مصدر در این واژگان در ریختِ فَعَلَّه به کار برده می‌شود؛ نمونه‌هایی دیگر از آن عَرَبَدَه و شَعْبَدَه است. اسم فاعل از مصدرهای چارتایی نیفزوده در ریختِ مُفَعَّلِل ساخته می‌شود. از آنجاست که اسم فاعل از تَرْجَمَه مُتَرْجِم است؛ آنچنانکه اسم فاعل از عربده و شعبده نیز مُعَرَبِد و مُشَعِبِد. اسم مفعول از این مصدرها نیز در ریختِ مُفَعَّلِل ساخته می‌شود. مُتَرْجِم در زبان تازی به معنی برگردانیده و ترجمه شده است. فرهنگ‌نویسان ترجمه را برآمده از ترجمان شمرده‌اند و در بنیاد، پارسی دانسته‌اند. ترجمان، با زیر یا پیشِ جیم، به معنی مترجم است. این واژه تازی شده «تَرْزبان» انگاشته شده است که کنایه‌ای است از شیواگوی و نیکوسخن:

ترجمان: بالفتح و جیم مضموم، به معنی فصیح و تیززبان و خوش‌تقریر و کسی که داننده دوزبان باشد که [سخن] صاحب یک زبان را به صاحب دیگر زبان بفهماند؛ و این معرّب تَرْزبان است؛ و ضَمّ جیم از آن است که زبان به ضَمّ اوّل است؛ و به فتح نیز آمده

است؛ و بعدِ معرّب کردن این لفظ، مصدر و افعال و اسماء از آن اخذ کردند؛ چون: تَرْجَمَ يُتْرَجَمُ تَرْجَمَةً فهو مُتْرَجِمٌ؛ چون: دَخْرَجَ يُدَخْرِجُ دَخْرَجَةً فهو مُدَخْرِجٌ (از رسالهٔ معرّبات ملا عبدالرشید صاحب رشیدی)؛ و در کشف و مدار و منتخب نیز به ضمّ جیم است؛ و در مؤید، به فتح جیم و در صراح، به ضمّ و فتح جیم، به معنی تیلماچی....

ترجمه: به فتح اوّل و سکون ثانی و فتح جیم، بیان کردن مطالب زبانی است به زبان دیگر؛ و مأخذ این ترجمان است که معرّب ترزبان باشد؛ و ترجمان به معنی کسی است که کلام دو شخص متغایراللسان را به یکدیگر بفهماند. چون عربان ترزبان را معرّب کرده و ترجمان ساختند، پس از آن، مصدر و افعال و اسماء اشتقاق کردند؛ چون: ترجم یترجم ترجمه فهو مترجم؛ چون: دحرج یدحرج دحرجه فهو مدحرج. اگرچه در لفظ ترجمان به فتح و ضمّ جیم بعضی اختلاف کرده‌اند، چنانکه منتخب و صراح، مگر در لفظ ترجمه به حرکت جیم اختلاف نباید کرد؛ چرا که بر وزن دَخْرَجَه است. سوای این، بحرالجوهر و کشف و منتخب و کنز و مزیل الاغلاط همه به فتح جیم ثابت می‌کنند<sup>۱</sup>.

اما پیشینهٔ واژه ترجمان کهنتر از آن است که بتوان آنرا تازی شدهٔ ترزبان در پارسی دری دانست. این واژه در ریختِ تَرْگَمَان در پهلوی به کار برده شده است. ترگمان در بیتی از کهنترین چامه (= قصیده) ایرانی که تاکنون یافته شده است و چامه‌ای است دارای قافیه‌های نونی و سروده در زبان پهلوی، به کار برده شده است:

كَدْبَوَاتِ كِه پيكي آيْدُ هَجْ هِنْدُوكان  
كِه: مَتْ آني شَهْ وَهْرَامِ هَجْ دُوتِي كِيَان

که پیل هست هزار، اَوْرُ سرائسَر هست پیلبان  
 که آراستکُ درفش دارد پَتْ اَدْوین ی هوسروان  
 پیشی لشکر برند پَتْ سپاه سرداران  
 مردی و سِیلْ اَپایند کردن، زیرک تَرگمان  
 که شَوذ او بگویند پَتْ هندوکان  
 که: اماه چه دیتْ هَجْ دشتی تاجیکان.

کی باشد که پیکی آید از هندوستان؛  
 که: رسید آن شاه بهرام از دودمان کیان؛  
 که فیل هست هزار [و] سراسر دارد فیلبان؛  
 که آراسته درفش دارد، به آیین خسروان؛  
 پیش لشکر برند به وسیله سپاه سرداران.  
 مردی گسیل باید کردن، زیرک ترجمان،  
 که شود و بگوید به هندوستان،  
 که: ما چه دیدیم از دشت تازیان.<sup>۲</sup>

از دیگر سوی، این واژه در نوشته‌های آشوری در ریخت ترگومانو  
 Targumanu یافته شده است. برگردان تورات به زبان آرامی نیز، در این زبان،  
 ترگوم Targum یا ترجموم خوانده می‌شود. ترجمان، در زبان سریانی نیز، در  
 ریخته‌های ترگمانا Targmana و تورگومونا Turgomona<sup>۳</sup> به کار برده می‌شده  
 است.<sup>۴</sup>

واژه ترجمان از راه زبان ایتالیایی به زبان فرانسوی راه برده است و در  
 این زبان در ریخت دروگمن Drogman، در معنی مترجم رسمی و دیوانی در  
 قسطنطنیه و دیگر سرزمینهای خاور به کار رفته است. ریختی دیگر از ترجمان  
 در این زبان تروشمان Truchement است؛ تروشمان آن است که اندیشه‌های  
 کسی را به دیگری می‌رساند و آنها را برای او بازمی‌گوید و بازمی‌نماید.

## یادداشتها

- ۱- غیاث اللغات / ۲۰۱.
- ۲- ترجمه چند متن پهلوی، روانشاد ملک الشعرای بهار / ۹۰-۸۱.
- ۳- فرهنگ تطبیقی عربی با زبانهای سامی و ایرانی، ج ۱ / ۹۸.
- ۴- در برهان قاطع نیز، ترجمان به زیر جیم «بر وزن نردبان» ضبط شده است، ج ۱ / زیر «ترجمان».